

سخن مدیر مسؤول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در میان سخن‌های گونه‌گونی که در یادکرد هدف‌ها و دستاوردهای سترگ‌ترین رویداد تاریخ بشر- یعنی ظهور حضرت مهدی ارواحناه‌فداه- گفته‌اند، بهترین و صحیح‌ترین سخن، همان است که پیامبر خدا و ائمه‌ی هدی صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین یاد کرده‌اند؛ یعنی «پرکردن زمین از عدالت».

این دستاورد، رفع همان نیاز فطری است که تمام آدمیان- از هر نژاد و تیره و مذهب و اندیشه‌ای باشند- بدان روی می‌آورند؛ چرا که همگی «ظلم» را زشت می‌دانند و از آن گریزانند، گرچه در بیان مصادیق آن هم‌رأی نباشند. این واقعیت، یکی از مستقلات عقلی است که همگان- صرف‌نظر از مذهب و دین و کیش و آیین خود- بر آن پای می‌فشارند. و- برخلاف نظر برخی از اندیشمندان- تابع شیوه‌ی اندیشه‌ی استقرایی نیست تا گرفتار چنبره‌ی نسبت شود.

از دیگر سو، همان‌گونه که ظلم برای همگان ناخوشایند است، عدالت، مطلوب دیرین آدمیان بوده و هست. بدین روی، توجه به موعود، در سرشت همه‌ی مردمان است.

گرچه ظلم در نظری ابتدایی، فقط به «ظلم اجتماعی» تفسیر می‌شود، ولی واقعیت آن است که ابعاد ظلم، بسیار گسترده‌تر از آن است که در این بُعد، منحصر بماند. از کوچک‌ترین غصب حق ساده‌ترین عضو جامعه، تا شرک‌ورزی در حق خدای واحد احد، همه مصادیق «ظلم» به شمار می‌آیند. وجه مشترک در تمام این طیف گسترده، «ظلم به نفس» است که هر گناه و معصیتی را در بر می‌گیرد و ریشه‌ی تمام ظلم‌های اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی و... است. پرسش اساسی این است:



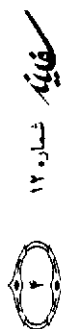
کدامین زمان و کدامین زمین و کدامین زمینه را می توان سراغ گرفت که در آن، نشانی از «ظلم به نفس» نباشد؟

هر جا اثری از عدالت بیرونی - مانند عدالت اجتماعی و فرهنگی - دیده شود، اگر ریشه در عدالت درونی نداشته باشد، یا خدعه‌ای است برای ظلمی افزون‌تر یا گلی است زیبا که عمری چندروزه دارد؛ از آن رو که ریشه در خاک ندارد. به عبارت دیگر، هر تغییری در برون آفاق، ریشه در تغییر درونِ انفس دارد. تغییر در درون، یعنی: تغییر نوع بهره‌وری از نعمت اختیار. «ظلم به نفس» نیز - که ریشه‌ی همه‌ی ستم‌های دیگر است - از سوء اختیار انسان نشأت می‌گیرد، زمانی که انسان به اختیار خود، «شر» را بر می‌گزیند و بر «خیر» ترجیح می‌دهد. قرآن بزرگ، آن‌جا که از اهداف بعثت پیامبران سخن می‌گوید، از انسان یاد می‌کند و انتخاب عدالت توسط او در کمال آگاهی و آزادی و اختیار، نه به جبر پیامبران. با هم بخوانیم:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.^۱

در این تعبیر، باید ژرف نگریست. مردم به اختیار خود، «قسط» را بر می‌گزینند و آن را بر پای می‌دارند، نه این که کسی (پیامبر خدا یا دیگری) آن‌ها را بدان وادارد. عدالت تنها در این صورت، پایدار می‌ماند؛ هم‌چون درختی استوار که ریشه‌ای محکم در زمین دارد و شاخه‌های گسترده و پربار و بر در هوا. درخت بدون ریشه در برابر کدامین باد سبک، توان استقامت دارد، چه رسد به توفان‌های سهمگین؟

بر پای داری عدالت توسط مردم، یعنی حرکت از ظلم به سوی عدالت، یعنی گریز از وضع موجود به سوی عدالت موعود. این کار زمانی انجام می‌پذیرد که آدمی، اگر به اختیار خود، بدی را برگزیده، به اختیاری دیگر روی آورد و نیکی را برگزیند. این کار، البته به آسانی روی نمی‌دهد. دل‌کندن از برخی جاذبه‌های گذرا، ثابت قدمانی می‌طلبد که از راه نلغزند و ژرف‌بینانی که فریب شراب‌ها را نخورند. اینان، صد البته



اندک‌اندک. و همین است سرّ مهجوریت عدالت در طول هزاره‌های تاریخ بشر. و همین است سرّ غربت و بی‌یاوری امام موعود عدالت در درازنای سده‌های غیبت حضرتش.

حرکت از ظلم به عدالت، مقدمه‌ای بس مهمّ دارد: «احساس ظلم و اقرار درونی به آن». سفر شکوهمند توبه، از همین نقطه آغاز می‌شود. سیر و سفر جاودانه‌ای که «حرّ یزید» را به «حرّ شهید» بدل ساخت، از همین جا شروع شد. و هر کس آزادگی را می‌طلبد، باید ابتدا خود را از قید نفس آزاد سازد. یعنی بانگای ژرف- که پرده‌ی دنیاطلبی و شهوت‌خواهی بر آن نیفتاده باشد- سراب را از آب بازشناسد، آن‌گاه باگام‌های استوار، راهی دشوار، اما خوش فرجام را طی کند. تنها کسی می‌تواند عدالت را در سطح جامعه تحقّق بخشد که بیش از آن و پیش از آن، عدالت را در درون خود نهادینه کرده باشد.

این است راه رسیدن به عدالت موعود، و این است آیین برپایی جامعه‌ی مهدی‌پسند.

امام رضا علیه السلام دعایی بلندمرتبه به یونس بن عبدالرحمان- از خواصّ اصحاب خود- آموخت و امر فرمود که در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه خوانده شود. در این دعا، ضمن اهداف ظهور حضرتش می‌خوانیم: طاعات فریضی

تَوْضِیحٌ بِهٖ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ. ۱

گشودن گره‌های حقیقت و تبیین عدالت ناشناخته، دوگام مهم است که در زمان ظهور برداشته می‌شود. آمادگی برای این دو برنامه‌ی اساسی، از معبر نگاه ژرف و گام استوار می‌گذرد. برای این که بتوان در آن زمان شکوهمند، این هدیه‌ی بیش‌بهای الاهی را به جان پذیرا باشیم، باید از هم‌اکنون به تربیت درون خود و برون جامعه پردازیم، تربیتی که به قبول آگاهانه‌ی آن عدالت موعود- از روی اختیار- بینجامد. شناخت امکانات، چالش‌ها، آسیب‌ها، دستاوردها، ابزارها، نتایج و هدف‌های این راه مقدّس، در زمره‌ی برنامه‌های فصلنامه‌ی سفینه است. در این مسیر، علاوه بر



نگاه ملتسانه به آستانِ آسمانِ سايِ حضرت بقيّة الله ارواحنفا، به ياري مهدي باورانِ مهدي ياور چشم دوخته ايم. اين شماره ي فصلنامه نيز در حدّ بضاعت مزجات، پيشكشي است به پيشگاه عزيز مصر وجود و منتظران امام موعود. تا چه قبول افتد و چه در نظر آيد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

